

گزارش

زیرباردلار

همچنین روابط اجتماعی بین انسان‌ها نیز از این بحران آسیب خواهد دید: «مسئله چهارم، اختلالی است که در روابط اجتماعی به وجود می‌آید، چون وقتی منابع کمیاب می‌شود، رقابت بر سر رسیدن به آن افزایش پیدا می‌کند. نگاهی به همین شب یلدایی که گذشت، نشان داد که چقدر مردم کمتر از گذشته می‌توانند روابط خانوادگی و جمعی خود را داشته باشند. به دنبال آن، حس مشارکت جمعی، تعلق خاطر و احساس اطمینان و از عضو یک گروه بزرگ‌تر بودن به‌مرور نازل‌تر می‌شود. از سوی دیگر، جای خود را به بقای فردی می‌دهد. همه اینها هم در نهایت بر نظم اخلاقی جامعه اثر می‌گذارد. شرایط به سمتی می‌رود که سطح اعتماد مدام کم و کمتر شود و این موضوع میان بازاری‌ها و روابط بین تجارت و صنایع دیده می‌شود که تمام نظم اخلاقی پیرامون وعده‌ها و قول‌ها و برنامه‌ها محدود به دوره ثبات می‌شود و در فقدان پایداری این نظم هم شکنده می‌شود.

این جامعه‌شناس اقتصادی معتقد است یکی از جدی‌تری بروزه‌های اجتماعی در این دوره، تمرکز بر زندگی فردی است: «حس دیگرخواهی، تعامل و همکاری در فضای این چنین جوامعی به‌مرور از بین می‌رود. چون هرکسی مجبور می‌شود تنها به خودش و خانواده‌اش فکر کند. وقتی راستگویی و صداقت هم در معاملات نباشد، امکان تقلب هم زیاد می‌شود. این مدت حقوق اعضای هیئت علمی هم مطرح شده است. واضح است که کیفیت تدریس و آموزش افت می‌کند. کیفیت درمان کمتر می‌شود. داروها با افت کیفیت روبه‌رو می‌شوند و زیست جمعی دچار مخاطره می‌شود.

بودجه سال سخت

دولت نقش اصلی را در سرمایه‌گذاری و ایجاد موتور رشد اقتصادی دارد و کاهش واقعی اعتبارات عمرانی، اقتصاد را بیش از پیش وارد رکود می‌کند. حتی برای حفظ پروژه‌های عمرانی موجود نیز لازم است اعتبارات متناسب با تورم افزایش یابد. لذا سؤال اساسی این است که این کاهش واقعی شامل کدام بخش‌ها می‌شود: حقوق و دستمزد، طرح‌های عمرانی، انتشار اوراق یا سایر اجزای بودجه؟ هرکدام از اینها پیامدهای خاص خود را دارد و باید دید ترکیب نهایی بودجه چگونه خواهد بود.

از نگاه این کارشناس تا اینجا مشخص است که اصلاح جدی در بخش درآمد‌ها صورت نگرفته است و دولت به سراغ درآمدهای وصول‌نشده یا بخش‌هایی که از معافیت‌های قانونی برخوردار هستند، مانند بنیادها و آستان‌ها، رفته است. این یعنی که در بخش درآمدی اصلاحی انجام نشده و دولت از ورود به حوزه‌های پرچالش برهیز کرده است. همچنین به گفته او در بخش مصارف نیز بعدی است شاهد حذف ردیف‌های ناکارآمد یا هزینه‌هایی باشیم که در اولویت وظایف اصلی دولت نیستند، پس به احتمال زیاد باید بودجه محافظه‌کارانه مواجه خواهیم بود.

فیاضی توضیح می‌دهد هرچند ممکن است برخی ادغام‌های محدود صورت گیرد، اما بعید است این تغییرات عمیق و ساختاری باشد. در مورد طرح‌های عمرانی نیز احتمالا راهی نباشد جز اینکه یا آنها را واگذار یا متوقف کرد. او می‌گوید: «درباره بودجه‌های عمرانی چون هزینه‌های زیرساختی هستند، عدم تخصیص فقط هزینه‌های آینده را افزایش می‌دهد. درباره حقوق و دستمزد نیز با توجه به اینکه در سال‌های اخیر افزایش حقوق متناسب با تورم نبوده، کاهش واقعی حقوق کارکنان دولت غیرمنطقی است. بنابراین اگر قرار باشد انقباضی اعمال شود، منطقی‌ترین محل آن ردیف‌های ناکارآمد و کم‌اولویت است، هرچند با توجه به رویکرد محافظه‌کارانه دولت، انتظار اصلاحات گسترده چندان واقع‌بینانه نیست.»

این کارشناس همچنین با اشاره به بودجه گسترده شرکت‌های دولتی و احتمال واگذاری بخش‌هایی از دارایی‌های دولت به بخش خصوصی، عنوان می‌کند که در شرایط تورمی و نااطمینانی، اولین بخشی که دچار رکود می‌شود، سرمایه‌گذاری است و امروز چشم‌انداز بلندمدت تضعیف شده و انتظار سرمایه‌گذاری با افق‌های پنج یا ۱۰ساله واقع‌بینانه نیست. همچنین علاوه بر شرایط اقتصادی، نااطمینانی‌های سیاسی، سیاست خارجی و فضای شبه‌بحران نیز مزید بر علت شده است. در چنین فضایی، بعید است بخش خصوصی واقعی برای خرید شرکت‌های دولتی پیش‌قدم شود. او می‌گوید: «تجربه نشان داده در این شرایط، خطر بروز فساد و تصاحب دارایی‌ها بدون اهلیت نیز افزایش می‌یابد. بنابراین حتی اگر این تصمیم هر گرفته شود، واگذاری‌ها با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.»

زهراکرمی، دیگر کارشناس اقتصادی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» عنوان می‌کند که کلیت موضوع انقباضی‌بودن بودجه منطقی است؛ چراکه در شرایط فعلی مهم‌ترین مسئله، تلاش برای مهار تورم است، هرچند از نگاه او میزان توقیف دولت در کنترل تورم بسیار محدود است.

او می‌گوید: «تصور نمی‌کنم دولت بتواند حقوق کارکنان خود را کمتر از ۲۰ درصد افزایش دهد و در عین حال بعدی می‌دائم بتواند هزینه بسیاری از بخش‌هایی را که به بودجه دولت وابسته هستند، به‌طور معناداری کاهش دهد. معمولا دولت بودجه را به صورت متوازن به مجلس ارائه می‌کند، اما در طول سال، درآمدها محقق نمی‌شود. در حال حاضر هم مشخص نیست در بودجه، درآمد نفت با چه رقمی پیش‌بینی شده و نرخ ارز بر چه اساسی در نظر گرفته شده است؛ در حالی که اینها متغیرهای بسیار اثرگذاری برای بررسی نهایی هستند. با این حال تجربه نشان می‌دهد که معمولا درآمدها بیش‌برآورد و هزینه‌ها کم‌برآورد می‌شوند.»

او ادامه می‌دهد: «با این حال به نظر می‌رسد برآوردهای دولت از هزینه‌ها در شرایط تورم ۵۰درصدی، کاملاً غیرواقع‌بینانه است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه هنوز تا پایان سال باید دولت به چه سطحی می‌رسد در شرایط فعلی اقتصاد سیاسی کشور، اعتماد عمومی به دولت بسیار پایین است و نارضایتی اجتماعی بالاست. در چنین فضایی، امکان فریزکردن حقوق کارکنان یا کاهش جدی هزینه‌های جاری غیرمولد دولت وجود ندارد. همچنین اینکه دولت بتواند بودجه نهادهایی مانند صداوسیمیا و سایر نهاد‌هایی را که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند، به‌طور معناداری کاهش دهد، بسیار خوش‌بینانه به نظر می‌رسد.»

کریمنی باور دارد در شرایط فعلی اقتصاد کشور، بودجه صرفا یک بحث اقتصادی نیست، بلکه کاملاً به اقتصاد سیاسی گره خورده است و در اصل دولت به‌تنهایی قادر نیست تصمیم بگیرد که مثلا بودجه صداوسیمیا را قطع یا نهادهای خاصی را از بودجه محروم کند؛ چراکه بودجه محل تقابل منافع متعارض است و گروه‌های مختلف همواره تلاش می‌کنند سهم بیشتری از منابع عمومی بگیرند. او ادامه می‌دهد: «خود آقای پزشکیان نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند که نهادهای متعددی وجود دارند که فایده‌ای برای کشور ندارند اما بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند. مسئله اینجاست که این نهاده‌ا الزما تحت امر دولت نیستند و از مسیرهای مختلف بر فرایند بودجه‌ریزی فشار وارد می‌کنند. هرچند این دولت با شعار تفاهم و توافق روی کار آمده، اما در عمل ششمشکن‌ها در آن به شکل جدی ادامه دارد. به همین دلیل، خوش‌بینی به اعمال یک انقباض واقعی در بودجه چندان واقع‌بینانه نیست. برای مثال اگر به عملکرد بودجه سال ۱۴۰۳ نگاه کنیم -که بخش قابل توجهی از آن هم در دوره مسئولیتی آقای پزشکیان بود-، خواهم دید که انقباض چندانی میان پیش‌بینی‌ها و عملکرد وجود نداشته است. حالا که با رخدادهایی مانند جنگ، هزینه‌های دولت به‌طور ناگهانی افزایش یافت، میزان انتشار پول بالا رفت و از تیرماه به بعد، تورم شتاب بیشتری گرفت. تحقق چنین بودجه‌ای به شروط بسیار زیادی وابسته است و به نظر من دولت به‌تنهایی قادر به اجرای آن نیست. نکته نگران‌کننده‌تر این است که حتی اگر دولت بتواند تا حد انقباض را در لایحه اعمال کند، زمانی که بودجه وارد مجلس می‌شود، تازه مرحله تازه‌ای از فشارها آغاز می‌شود و گروه‌های مختلف تلاش می‌کنند سهم خود را افزایش دهند. این تعارض منافع در فرایند تصویب بودجه بسیار جدی است و در نهایت هم ممکن است تفاوت قابل توجهی میان بودجه مصوب و بودجه عملکرد به وجود آید.»

۵۳۱ ادامه‌از صفحه ۴
--

گزارش «شرق» از سیاست جدید دانشگاه تهران برای اختصاص خوابگاه به برخی دانشجویان

دانشجویان سنواتی از خوابگاه‌ها خط خوردند

اعتراضات دانشجویان با تشکیل پرونده انضباطی و اخطار حراست همراه شده است

نامه نوشته و جلسه برگزار کرده، اما در کمیته همه این جلسات و نامه‌ها را کتمان می‌کردند و می‌گفتند شورای صنفی هیچ اقدامی انجام نداده است». «اشکان» نیز صبح سه‌شنبه شاهد تماس دانشگاه برای حضور در کمیته انضباطی بود: «ساعت ۱۰ صبح با من تماس گرفتند و گفتند باید به شورای انضباطی بیایید و اگر نیایید، ما از اهرم‌های فشار خود مانند اخراج از خوابگاه یا محرومیت از غذا و خدمات استفاده می‌کنیم». ساعت ۱۱ او خود را به ساختمان فولاد، محل کمیته انضباطی رساند: «مدارک من را کپی گرفتند و در همان راهرو بین اتاق‌ها، بدون حضور دبیر کمیته انضباطی، شروع به نسبت‌دادن اتهاماتی به من کردند». اتهامات او نیز مانند «محمد» لیدری تجمع روز شنبه بود: «من آن روز دیر به دانشگاه رسیدم و در انتهای تجمع حضور داشتم». این دانشجوی، از تلاش مسئولان دانشگاه برای کتمان نامه‌ها و پیام‌های دانشجویان به ریاست دانشگاه برای اعتراض به مصوبه اخیر می‌گوید: «به من گفتند با مسئولان جلسه بگذارید، درحالی‌که شورای صنفی به‌عنوان نماینده دانشجویان بارها جلسه گذاشته بود و من نیز گفتم نماینده دانشجویان شورای صنفی است».

اقدام مغایر شیوه‌نامه

اقدام به ایجاد پرونده انضباطی برای دانشجویان، مغایر شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی است. طبق تبصره ۵ ماده ۳۷ این شیوه‌نامه، تجمعاتی که به صورت مسالمت‌آمیز، بدون ایراد خسارت به اموال دانشگاه، درگیری، توهین یا اقدام در راستای تعطیلی کلاس‌های آموزشی باشند، جزء تخلفات انضباطی به حساب نمی‌آید. همین‌طور طبق تبصره ۱ ماده ۶۷، حداقل پنج روز پیش از برگزاری جلسه تفهیم اتهام، باید به دانشجوی زمان برگزاری جلسه اعلام شود، چه در اتهام مطرح‌شده و چه از نظر قوانین مربوط به رسیدگی، دانشگاه تهران دست به اقدام مغایر شیوه‌نامه رده است. ۲۳ آذرماه، شورای صنفی کل دانشگاه تهران پيامی درباره مصوبه اختصاص‌دادن خوابگاه به دانشجویان سنواتی اعلام کرد: «تصمیم اخیر دانشگاه تهران مبنی بر حذف کامل حق اسکان دانشجویان سنواتی، اقدامی غیرقابل قبول، ناعادلانه و به دور از واقعیت‌های معیشتی دانشجویان است. در همین راستا، در حال پیکیری برگزاری فوری جلسه شورای عمومی با حضور هیئت‌رئیس دانشگاه و دانشجویان خوابگاهی هستیم تا این تصمیم به صورت علنی، شفاف و پاسخ‌گو بررسی شود». همین‌طور ۲۵ آذرماه نامه‌ای به «محمدحسین امید»، رئیس دانشگاه تهران، از طرف این شورا ارسال شد و درخواست جلسه شورای عمومی بار دیگر مطرح شد. در ادامه ۲۹ آذرماه شورای صنفی کل دانشجویان دانشگاه تهران بیانیه دیگری صادر کرد: «آنچه امروز در دانشگاه تهران جریان دارد، محصول انباشت سوءمدیریت، فقدان برنامه‌ریزی، بی‌اعتنایی به واقعیت‌های زیسته دانشجویان است؛ روندی که در دوره کنونی نه‌تنها اصلاح نشده، بلکه تشدید نیز شده است. شورای

صنفی کل دانشگاه تهران تاکید می‌کند که برگزاری این شورای عمومی باید در اسرع وقت انجام شود و هیئت‌رئیسه موظف است که پاسخ‌گو باشد». با وجود تمام این نامه‌ها و پیام‌ها که در دسترس همگان است، مسئولان دانشگاه تهران تمام این درخواست‌ها را انکار می‌کنند و اعتراضات دانشجویان را ناشی از رعایت‌نکردن ضوابط از طرف دانشجویان می‌دانند.

دانشگاه تهران: هدف استانداردسازی شرایط خوابگاه است

با وجود وضعیت بد کیفیت ارائه خوابگاه، دانشگاه تهران تصمیم بر ارائه‌ندان حتی همین سطح از خدمات به دانشجویان گرفته است. علی حسین رضایان، معاون دانشجویی دانشگاه تهران، درباره تصمیم دانشگاه مبنی بر اختصاص‌دادن خوابگاه به دانشجویان سنواتی به «شرق» می‌گوید: «ما چالشی را در حوزه اسکان دانشجویان در خوابگاه داریم و به همین علت این تصمیم گرفته شده است. ما این تصمیم را در این زمان اعلام کردیم تا دانشجویان بتوانند تا پایان ترم درس خود را تمام کنند. البته در تابستان نیز این موضوع را به دانشجویان و استادان گفته بودیم. این موضوع فقط مربوط به دانشجویان نیست، بلکه استادان راهنما و معاونان آموزشی باید شرایط فارغ‌التحصیلی دانشجویان را فراهم کنند». معاون دانشجویی دانشگاه، هدف این طرح را بازگشت خوابگاه‌ها به وضعیت استاندارد می‌داند: «شعار و هدف‌مان این است که حداکثر خدمات رفاهی باکیفیت را به دانشجویان در سنوات مجازشان ارائه دهیم. در حال حاضر خوابگاه‌های ما از حالت استاندارد خارج شده‌اند. منظور از استاندارد، اول مربوط به تعداد ساکنان است؛ ما مجبور شده‌ایم اتاق‌های پنج‌فرده کارشناسی را به شش نفر بدسیم، اتاق‌های چهارنفره کارشناسی رشد را به پنج نفر اختصاص دهیم و اتاق‌های سه‌فرده دکتری را چهارنفره کنیم. ما می‌خواهیم دانشجویان سنواتی دفاع کنند تا به خود آنها کمتر فشار بیاید. در حال حاضر افزایش تعداد دانشجو در اتاق باعث شده مثلا توانیم در اتاق پنج‌فرده برای همه افراد یخچال، کمد و دیگر امکانات را قرار دهیم. به عبارتی زیرساخت‌ها کشتش افزایش جمعیت را ندارند». علت این مسئله از نگاه «رضایان»، افزایش جمعیت دانشجویان در سال‌های گذشته و بی‌توجهی به زیرساخت‌هاست: «تمام تلاش‌مان این است که برخلاف سال‌های اخیر، اول ورودی دانشجویان را ۱۵ درصد و اگر دانشکده‌ها همراهی کنند، ۲۰ درصد کاهش دهیم. همین‌طور خوابگاه‌های قدیمی مثل خوابگاه حافظ یا پرفسور حسینی را از دور خارج کنیم». او می‌گوید این تصمیم در طولانی‌مدت به نفع دانشجویان خواهد شد، زیرا استانداردهای جمعیتی و کیفی خوابگاه‌ها را به آنها برمی‌گرداند: «ما می‌دانیم تنها مسئله دانشجویان سنواتی نیستند و همین‌طور هدف‌مان ادیت‌کردن دانشجویان نیست. ما می‌خواهیم دانشجویان بدانند که دیگر دانشگاه بیشتر از آنچه در دفترچه انتخاب رشته درباره سنوات مجاز نوشته شده است، توان ارائه خدمات ندارد». «رضایان» از استقبال دانشگاه تهران از نظر و همراهی دانشجویان می‌گوید: «شورای صنفی و دانشجویان فعال به ما پیشنهاد دهند که چه کار کنیم. این حرف که خب پول بیاوریم یا خوابگاه اجاره کنیم، منطقی نیست؛ اگر می‌توانستیم قطعا این کار را می‌کردیم. بالاخره دانشگاه یک سازمان دولتی است که از سازمان برنامه، بودجه خودش را دریافت می‌کند؛ این سازمان نیز برای هر دانشجو تنها به میزان سنوات مجاز او به ما بودجه می‌دهد و نه یک ربال بیشتر».

عمیق‌کردن زخم عدالت آموزشی

در ابتدای سال تحصیلی جاری و با انتشار دفترچه انتخاب رشته، بسیاری از دانشگاه‌های سطح اول به بخش وسیعی از دانشجویان شبانه و روزانه خوابگاه ارائه نکردند و حالا نیز تصمیم بر کاهش تعداد دانشجویان با ابزار کاهش ورودی دانشگاه و همین‌طور اجبار دانشجویان به اینکه فارغ از شرایط تحصیلی، فارغ‌التحصیل شوند، در دست اجراست. اما ناگهانی به شرایط دانشگاه‌های کشور نشان می‌دهد با اغماض، تنها هشت دانشگاه را می‌توان در سطح اول دانست. سیاست کاهش جذب دانشجو که احتمالا در راستای تصمیم دانشگاه تهران و سیاست کلی وزارت علوم در دیگر دانشگاه‌های طراز اول اجرا خواهد شد، زخم بی‌عدالتی آموزشی را عمیق‌تر خواهد کرد. از سوی دیگر، اتخاذ رویکردهای حراست به جای شنیدن صدای دانشجویان و شفاف‌سازی تصمیم‌گیری‌ها، نشان‌دهنده تداوم آن رفتاری است که دولت جدید مسعود پزشکیان تاکید بر غیرقابل قبول و نادرست‌بودن آن دارد. پزشکیان ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ در معارف وزیر جدید علوم گفته بود: «حق دانشجو است که حرف بزند؛ ما در دست می‌گوی و من باید اطاعت کنم یا اشتباه می‌گوید و من باید هدایتش کنم». اما حالا دانشگاه تهران، تصمیم به حذف صدای دانشجویان گرفته است.

محمدحسین موسوی: به دانشجویان ترم ۱۰ و بالاتر کارشناسی، ترم شش و بالاتر ارشد و ترم ۱۰ و بالاتر دکترای ناپیوسته از پایان این ترم خوابگاه داده نمی‌شود؛ این تصمیم هیئت‌رئیس دانشگاه تهران است که پیش از این مطرح شده بود و شانزدهم آذرماه، روز دانشجو نیز لایه‌لای صحبت‌های وزیر علوم شنیده شد. دانشجویان سنواتی کسانی هستند که بیش از سنوات قانونی تحصیل‌شان ادامه پیدا کرده است. در نامه‌ای که با امضای علی حسین رضایان، معاون دانشجویی دانشگاه تهران منتشر شده، آمده است: «سازمان برنامه و بودجه تنها به ازای دانشجویان روزانه سنوات مجاز بودجه خدمات رفاهی به دانشگاه‌ها اختصاص می‌دهد؛ از این‌رو طول مدت‌زمان تحصیل دانشجویان و فارغ‌التحصیلی به‌موقع آنها تأثیر مستقیم بر کیفیت خدمات رفاهی، آموزشی و پژوهشی دارد». در این نامه با اشاره به افزایش تعداد دانشجویان در سال‌های اخیر و تأثیر آن بر کاهش خدمات رفاهی و ظرفیت خوابگاه‌ها عنوان شده است: «این مسئله منجر به کمبود در خوابگاه‌ها، فرسودگی بیش از حد زیرساخت‌ها، افزایش جمعیت در اتاق‌های خوابگاهی و به تبع آن افزایش تنش بین دانشجویان، کاهش کیفیت غذای دانشجویی، کاهش کیفیت خدمات رفاهی و نارضایتی دانشجویان و از همه مهم‌تر بخش قابل توجهی از بودجه دانشگاه برای ارائه خدمات رفاهی به دانشجویان و دورشدن دانشگاه از مأموریت اصلی آن یعنی آموزش، پژوهش و فناوری شده است». در پایان هم به تصمیم هیئت‌رئیس دانشگاه مبنی بر اختصاص‌دادن خوابگاه پس از پایان ترم جاری به دانشجویان ترم ۱۰ و بالاتر کارشناسی، ترم شش و بالاتر ارشد و ترم ۱۰ و بالاتر دکترای ناپیوسته اشاره شده است.

خوابگاه با چه کیفیتی؟

در خیابان انقلاب نرسیده به پل کالج، یکی از بی‌کیفیت‌ترین خوابگاه‌های سطح شهر دانشگاه تهران به نام «خوابگاه حافظ» قرار دارد؛ خوابگاهی مختص دانشجویانی که بیش از سنوات نوشته‌شده در دفترچه انتخاب رشته، تحصیل آنها ادامه یافته است. اما این خوابگاه بیشتر شبیه یک تبعیدگاه است؛ جایی که با شرایط بد خود به دانشجویان برای فارغ‌التحصیلی فشار می‌آورد. «حامد» که خود ساکن این خوابگاه است، می‌گوید: «فاصله این خوابگاه به دانشگاه دور است و سررسیدهای دانشگاه نیز برای آن خدمات ارائه نمی‌دهند. سالن ورزش یا اتاق تلویزیون ندارد. حمام در طبقه منفی یک قرار گرفته و در طبقات نیست». اما این تنها مشکلات این خوابگاه نیست: «این خوابگاه از نظر زیرساختی فاجعه است؛ به وفور آب و برق قطع می‌شود، سقف چکه می‌کند، صندلی‌ها و میزها خراب و کهنه است». «علی» نیز در خوابگاه حافظ ساکن است و ترم ۱۰ کارشناسی است: «این خوابگاه شبیه به اردوگاه‌های دوران جنگ جهانی دوم است. من پس از ترم هشت به این خوابگاه فرستاده شدم و شرایطی دارد که قابل تحمل نیست. ساس، عنکبوت و حتی موش دارد». او می‌گوید این شرایط سخت ترم‌های آخر تحصیل را برای دانشجویان زجرآور می‌کند: «خوابگاه حافظ ساختمان کثیف، قدیمی و خطرناکی است. اصلا برای سکونت این تعداد دانشجو مناسب نیست. هیچ تلاشی هم برای تغییر شرایط و بهترکردن آن انجام نمی‌شود.»

کار رایگان درازای خوابگاه

دانشگاه تهران برای دانشجویان سنواتی و سابقا شبانه نیز اتاق‌هایی بسیار بد اختصاص داده است؛ اتاق‌هایی که در خوابگاه اصلی دختران یعنی خوابگاه «فاطمیه» در خیابان کارگر شمالی قرار دارد، اما دارای تفاوتی آشکار با اتاق‌هایی است که در طبقات بالاتر برای دانشجویان معمولی وجود دارد. «مهسا» که مدتی ساکن یکی از این اتاق‌ها بوده، درباره آن می‌گوید: «اتاق‌های ما دانشجویان شبانه و سنواتی در زیرزمین قرار دارد. در یک اتاق چهار تخت و میز قرار دادند و آنجا را تبدیل به خوابگاه کرده‌اند». این اتاق‌ها از همه نظر نسبت به دیگر اتاق‌ها بی‌کیفیت‌تر هستند: «در اتاق ما یک دیوار کاذب داشتیم که پشت آن کولری بی‌کیفیت قرار گرفته بود که در تابستان کارکردی نداشت. در زمستان نیز چون دورتا‌دور اتاق پنجره بود و سیستم گرمایشی بدی داشتیم، اتاق شبیه سردخانه می‌شد». «مهسا» می‌گوید از نظر بهداشتی نیز به این اتاق‌ها رسیدگی نمی‌شد: «در تمام اتاق تار عنکبوت وجود داشت. مارمولک و سوسک پیدا می‌کردیم و سرویس بهداشتی در کنار آشپزخانه و در نزدیکی اتاق بود که از چاه آن همیشه بویی نامطبوع پخش می‌شد». دانشجویان ساکن خوابگاه نیز هیچ‌گاه پاسخی برای اعتراض یا درخواست‌های خود دریافت نمی‌کردند؛ گویی یک بی‌توجهی کامل وجود داشت: «ما چندین بار درخواست‌های مختلفی کردیم اما کسی به ما پاسخ درست نداد. تنها یک بار به درخواست ما برای تعویض موقت‌ها گوش داده شد که به‌جای تعویض تنها چند تکه‌موقت برش زدن و روی موقت‌های خراب و کثیف قبلی انداختند». این خوابگاه‌ها اما رایگانی به دانشجویان داده نمی‌شد، بلکه باید در ازای کار، جای خواب دریافت می‌کردند: «به‌عنوان ناظر اتاق، شیفَت می‌دادیم یا همیار بیمار می‌شدیم. در کتابخانه‌ها شیفت می‌دادیم تا خوابگاه به ما داده شود». «فاطمه» نیز چنین شرایطی را گذرانده است. او از حضور دائمی ساس‌ها می‌گوید: «سازم در تمام پتوها و لباس‌ها وجود داشت. هر بار هم می‌گفتمیم سم‌پاشی کنید، می‌گفتند الان وقتش نیست».

احضار و تشکیل پرونده انضباطی

از شنبه ۲۲ آذرماه در اعتراض به این مصوبه و همین‌طور شرایط نامناسب خدمات رفاهی، تجمعاتی مسالمت‌آمیز در دانشگاه تهران در حال برگزاری است. «محمد» یکی از دانشجویانی است که این اعتراضات مسالمت‌آمیز حضور داشته و حالا پرونده‌ای برای او در کمیته انضباطی تشکیل شده است. درباره هدف این اعتراضات می‌گوید: «اما مسئله اصلی مخالفت با پولی‌سازی دانشگاه و همین‌طور مصوبه اخیر درباره اختصاص‌دادن خوابگاه به دانشجویان سنواتی است». این اختصاص‌دادن خوابگاه، معضلی ملموس برای دانشجویان شده است: «شنیده شده برخلاف مصوبه‌ای که هیئت‌رئیس دانشگاه تصویب کرده، برخی دانشکده‌ها به دانشجویان ترم ۹ کارشناسی و ترم پنج ارشد نیز قرار است خوابگاه اختصاص ندهند». این دانشجویان تاکید می‌کند که در این اعتراضات هیچ‌گونه خشونت و درگیری یا ایجاد خسارت از سوی دانشجویان رخ نداده است؛ باوجوداین از کارمندان و مسئولان دانشگاه، تنها حراست به اعتراضات آنها گوش داد اما در نهایت برای‌شان پرونده انضباطی تشکیل شد: «حراست طی تحصن‌ها اقدام به فیلم‌برداری و مستندسازی کرد. همین‌طور از مسئولان دانشگاه تنها یک بار معاون دانشجویی در خوابگاه کوی حاضر شد و بدون هیچ توضیحی نیز رفت». تجمعات دانشجویان دانشگاه تهران، در پنج نوبت انجام شده، سه نوبت در خوابگاه و دو نوبت در روزهای شنبه و دوشنبه هفته اخیر در پردیس مرکزی دانشگاه تهران. دانشگاه تاکنون در پاسخ به این اعتراضات از روز سه‌شنبه، شروع به دعوت دانشجویان به کمیته انضباطی کرد: «سه‌شنبه صبح با من تماس گرفتند و گفتند تا ساعت ۱۴ باید به کمیته انضباطی در ساختمان فولاد مراجعه کنید. من کلاس داشتم و به‌همین‌خاطر ساعت ۱۴:۳۰ به کمیته مراجعه کردم». او ادامه می‌دهد: «به جای اینکه جلسه در اتاق دبیر کمیته برگزار شود، در راهرویی در ساختمان فولاد تلاش به تفهیم اتهام به من شد. اتهام لیدری تجمعات بود و تنها دلیل نیز گزارش حراست اعلام شد». «فاطمه» نیز چنین شرایطی را گذرانده تهران. دادند که فقط اطلاعات خودش و چند بند گزارش حراست بود و سعی کردند از او تعهد بگیرند: «از ما خواستند دفاعیه بنویسیم. همین‌طور برگه‌ای جلویم گذاشتند که در اصل یک مرام‌نامه انضباطی متفاوت با آن چیزی بود که به شکل قانونی باید دانشجو امضا کند. در این مرام‌نامه ذکر شده بود شرکت در هر نوع تجمع جرم است». «محمد» می‌گوید که در کمیته بارها به او گفتند باید از مسیری‌ها تعریف‌شده صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانید: «در کمیته، بارها به شورای صنفی اشاره شد و گفتند باید از طریق شورای صنفی مسئله را بیان کنید، درحالی‌که شورای صنفی از ابتدای انتشار این مصوبه بارها به دانشگاه

نگاه

چگونه مردمی که قنات‌ها می‌ساختند، گرفتار کم‌آبی شدند؟

راه‌حل‌های اشتباه مرسوم:

چرا دشان می‌کنیم

● افزایش تعداد سدها و انتقال بین‌حوضه‌ای آب بدون تحلیل بلندمدت: ذخیره سطحی در مناطق کرم می‌تواند تبخیر را افزایش داده و فرصت را برای نفوذ آن کاهش دهد. در کنار آن، انتقال آب بین منطقه‌ای بدون توجه به تأثیرات بلندمدت اقلیمی باعث تشدید پیامدهای اکولوژیکی، اجتماعی و کاهش پایداری خواهد شد. ● پمپاژ بیشتر و حفر چاه‌های عمیق برای «حل موضعی»: این اقدام به طور موضعی و موقت فقط حل مشکل را به تعویق می‌اندارد، باعث فرونشست زمین و تخریب اکوسیستم‌های وابسته می‌شود. ● راه‌حل‌های تک‌بعدی مبتنی بر نگاه تکنوکراتیک، پوزیتیویستی و مدرنیستی: فناوری زمانی مفید است؛ با تغییر الگوی کاربری زمین، قیمت‌گذاری دقیق آب و اصلاح کشاورزی همراه شود. در صورتی که به جنبه‌های گوناگون موضوع به مثابه جزایر منفک از هم توجه کنیم و برنامه کلان همه‌جانبه حضور نداشته باشیم، اقدامات دچار همپوشانی، موازی‌کاری و حتی تعارض می‌شود. بنابراین نگاه باید کل‌نگر باشد تا هم‌افزایی قدرت، دقت، اثربخشی و سرعت راه‌حل را بالا ببرد.

راه‌حل‌های منظر محور و تدبیر با ساخت آبی

معمراری منظر با رویکردی کل‌نگر و فرارشته‌ای می‌تواند نقش پلی میان دانش ضمنی و محلی برآمده از تاریخ زیست و اقلیم بومی و راهکارهای نوین را ایفا کند. برخی از پیشنهادها، مبتنی بر شواهد علمی و تجربه‌های محلی، چنین‌اند: ● بازتوانی قنات‌ها و مدیریت جمعی: سفره‌ها، بازسازی قنات‌های کارا، ترکیب با مدیریت کفسی برداشت و تعیین سهم آب محلی می‌تواند به احیای تعادل کمک کند، البته نه بازگرداندن کامل به گذشته، بلکه تلفیق سنت و تکنولوژی، توجه به اکوسیستم بستر نیز باید به دقت مورد پایش قرار گیرد تا این بازتوانی با حل یک مشکل، معضلات دیگری به بار نیآورد. ● طراحی منظر حساس به آب (water-sensitive landscape): در شهرها، اصلاح الگوی کالبدی نفوذپذیری سطوح، سامانه‌های بازتغذیه (مثل تالاب‌های مصنوعی و گودال‌های کنترل رواناب) می‌تواند بازتغذیه سفره‌ها را افزایش دهد. این مداخله هم‌زمان با ارتقای کیفیت منظر شهری و کاهش خطر سیلاب عمل می‌کنند. ● بازتعریف الگوی کشت و سیاست‌گذاری مبتنی بر آب مجازی: تعیین سیاست‌های تشویقی یا حتی الزام‌آور برای کشت محصولات کم‌مصرف (آب) و اصلاح قیمت‌گذاری آب در کشاورزی (حذف پارانه‌های مخرب)؛ در عین حال حمایت از کشاورزی محلی و باغ‌پداری که با منظر منطقه همخوانی دارد، بهره‌مندی از سیستم‌های نوین کشت و آبیاری و بهینه‌سازی آن بسیار ضروری است. ● مدیریت حوزه‌ای و مشارکت جامع محلی: احیای نهادهای محلی مدیریت آب (نمونه‌های تاریخی کخدامنش)؛ قنات‌داری/ میرآبی در قالب سازوکارهای معاصر و ادغام دانش سنتی و منظر و داده‌های علمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فرهنگ‌سازی و بازگردانی ارزش آب و ضرورت مصرف بهینه آن به آذهان مردم یکی از کلیدی‌ترین، مؤثرترین و کارآمدترین راه‌حل‌ها مشکلات از جمله تنش‌های آبی است. ● مقیاس‌بندی راه‌حل‌ها، از پلاک تا حوضه آبریز: طراحی منظر باید در سه مقیاس پارس/روستا، شهر و حوضه آبریز پیکری شود؛ راه‌حل‌های کوچک (باران‌گیرها، باغ‌های نفوذی، باغ‌نام) باید با سیاست‌های کلان (تغییر کاربری، تدبیر برداشت و نظام پایدار کشت) هم‌زمان و در راستای یک رویکرد کلان کلی باشد تا مؤثر واقع شود.

منظر ایرانی، بین خرد گشته

و تصمیم امروز

متخصص منظر بر این باورند که ایران هنوز منابع و دانش بالقوه‌ای برای عبور از این بحران دارد (همان‌گونه که قرن‌ها با امکانات کمتر سرزمین خشک خود را قابل زیست کرده بود)، اما این مهم تنها با بازشناسی نقش منظر- نه فقط به‌عنوان تزئین شهری بلکه به‌عنوان ساختار کاربردی-معنایی در مدیریت آب، ممکن است. بازگرداندن اندیشه قنات، اصلاح الگوی کشاورزی، اجرای راه‌حل‌های آب‌محور در طراحی شهری و ایجاد حکمرانی یکپارچه، مسیر خروج از این بحران‌اند. اگر سیاست‌گذاران به جای تکرار نسخه‌های فنی کلامت‌دست، سراغ تلفیق حکمت بومی و دانش نوین بروند، می‌توانیم امید داشته باشیم آن مردمی که روزگاری قنات ساختند، دوباره با آبی قابل اطمینان و منظری پایدار روبه‌رو شوند.